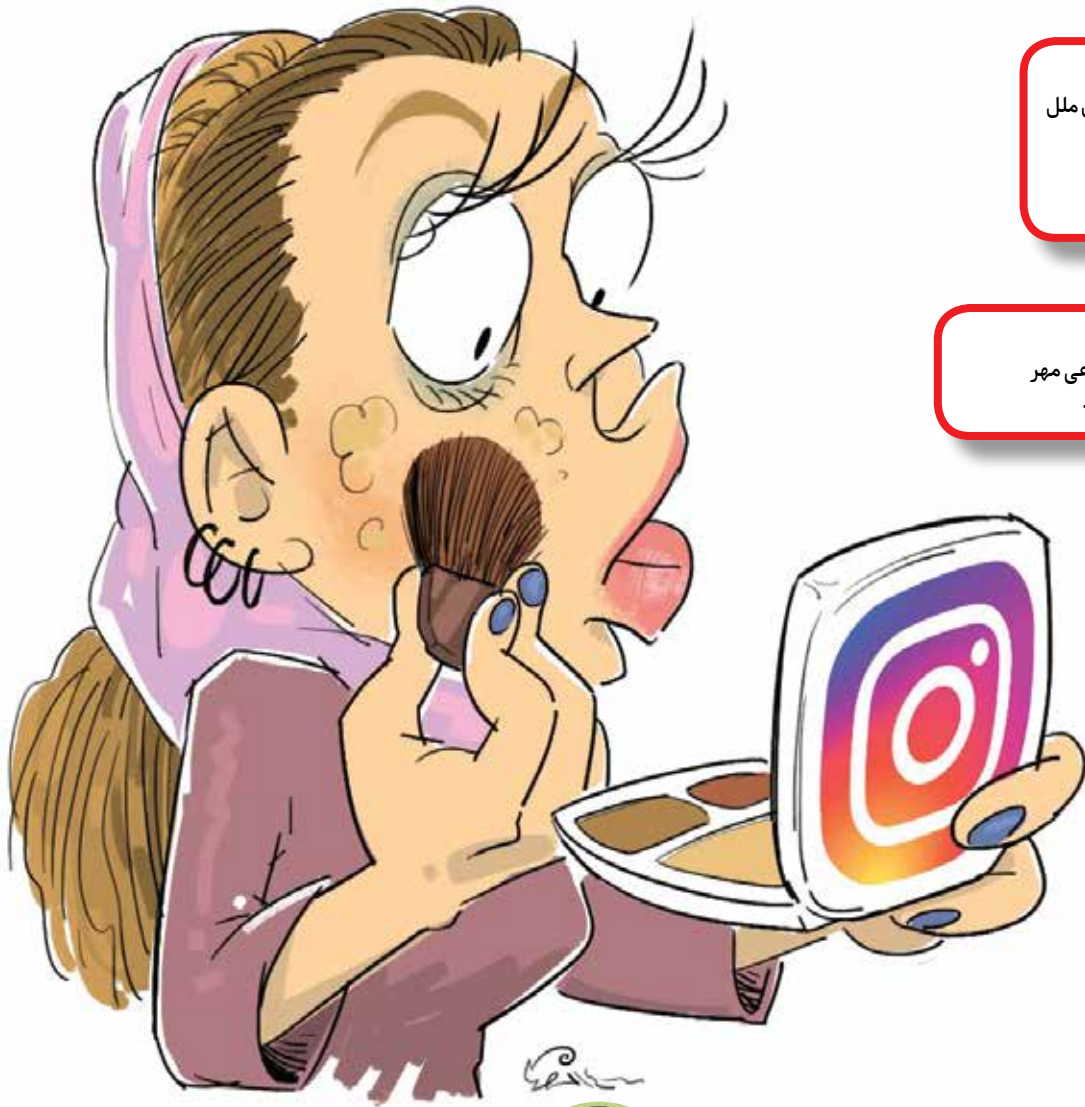


# بخاطر یک مشت لایک!

با گسترش شبکه‌های اجتماعی شاهد پدیده‌ای به نام خودنمایی در بین مشتریان این شبکه‌ها هستیم. خودنمایی و جلب توجه از طریق گذاشتن عکس‌های عجیب و غریب تا استفاده از جملات خاص در بیوگرافی صفحه شخصی، خودش را بروز می‌دهد. در ادامه به بررسی چند نوشته بیوگرافی صفحات شخصی در شبکه‌های اجتماعی می‌پردازیم:



علی عموکانمی



**مهراز**  
عضو گروه حامیان حقوق سگ‌های پاکوتاه در سازمان ملل  
دبیر هیأت دلوایسان محیط زیست در یونیسف  
عاشق گرفتن عکس سلفی با بچه‌های کار  
حرف سیاسی = بلاک



**آرش احمدی**  
فالو و لایک شده توسط ارزنگ امیرفضلی و هرمز شجاعی مهر  
عکس‌های لایک این عزیزان در پست‌ها موجود است.



**سامان عظیم‌زاده**  
عاشق کتاب‌های صادق هدایت  
حالم از خودم به هم می‌خورم!  
من اشغال اینجا چیکار می‌کنم؟!  
فکر کردی فقط خودت خوری!؟



**دکتر حسین ناطقی**  
رئیس چند بخش خیلی مهم در  
دولت‌های پیشین  
دارای ۳ مقاله در ژورنال‌های معتبر  
نیچریه و اوگاندا. (لینک مقالات در  
پایین صفحه)  
مرد روزهای سخت!



**کامبیز هستم**  
یک شهریوری وحشی!  
وجود داری فالو کن!



**ندا مرتضوی**  
۱۱ ساله  
سینگل  
فعلاً قصد ادامه تحصیل تا چی پیش بیاد!

**دیوانه حافظ**  
افشار جابری و حافظ شیرازی  
«بس نکته غیر حن باید که تا کسی»  
یک تا کسی خوب بگیرد برای خود



محدثه مطهری

**سوداز «دیر کرد» و ام‌ها ممنوع قطعی شد**  
قبلاً ممنوع معمولی بود. به مدت هم البته ممنوع  
غیرقطعی رو به معمولی بود.

**نظروس هادریه ایران قدرتمند**  
روس‌ها: Это хорошо.  
مترجم: می‌گه خیلی خوبه، لطفاً قسمت موشک‌هاش رو  
بیشتر کنید.

**حال بدسهماداران عدالت**  
قرنطینه باشند و حتماً تست بدنند، شاید کرونا باشه.

**اعتبارسنجی جای ضامن را گرفت**  
ضامن گفته بود به دقیقه جای منو نگهدار، من برم  
دستشویی و برگردم.

**خروج استیضاح از دستور کار**  
در هم پشت سرش بست.

## پوشکا رو پس بدین...

در زمان جریان عملیات سیفالقدس پیش‌بینی می‌شد مشکل اصلی اسرائیلی‌ها موشک‌هایی باشد که دارند روی سرشان می‌ریزند، اما خبرها حاکی از آن بود که مشکل اصلی اسرائیلی‌ها موشک‌هایی بود که نداشتند تا زیرشان

بریزند. گزارش زیر در جریان عملیات سیفالقدس، از داخل پناهگاه‌های اسرائیل تهیه شده است؛ یکی از اسرائیلی‌ها به گزارشگر ما گفت: ما فکر نمی‌کردیم اینقدر باید تو پناهگاه بمونیم و گرنه قبلاً حتماً می‌رفتیم دستشویی. رژیم هم که تمام پوشک‌های فروشگاه‌ها رو برده برای سربازانش. ما الان چه غلطی بکنیم!؟

یک اسرائیلی بی‌قرار نیز گفت: مشغول آشپزی بودم که آژیر خطر زدن، منم که فکر نمی‌کردم اینقدر قضیه طول بکشد، زیر گاز و خاموش نکردم که غذا خوب جا بیفته. حالا نگرانم آتش اجاق کلا خونه‌مو سوزونده باشه.

البته گزارشگر ما به این اسرائیلی بی‌قرار اطمینان خاطر داد که خانه‌اش از آتش اجاق نسوخته و توسط موشک‌های مقاومت کلاً با خاک یکی شده است و اسرائیلی مذکور نیز بی‌قراری‌اش رفع شده و کلاً خاموش شد.

گزارشگر ما در حین مصاحبه، متوجه شد که دو اسرائیلی مشغول دعا هستند؛ یکی از این دو نفر در پاسخ به خبرنگار ما که پرسیده بود «الان چه وقت دعواست؟» گفت: این مردک بی‌شعور اومده پتوشو جای من پهن کرده. من سال‌هاست که هر وقت آژیر خطر می‌زنم و میام پناهگاه، همینجا می‌خوابم. اصلاً تو این قسمت پناهگاه بیشتر از خونه خودم زندگی کردم. همه اهالی این منطقه هم منو می‌شناسن. حالا این یارو دو روزه اومده تو این محل، اینجا رو صاحب شده، من کوتاه نیام، ما حالا حالاها قراره به این پناهگاه رفت‌وآمد داشته باشیم.

گفتنی است منبع ما ضمن تأکید بر این نکته که اسرائیل هر لحظه در معرض نابودی است و ممکن است امروز باشد و فردا نباشد، از این دو اسرائیلی خواست که بر سر جای خواب دعا نکنند و این دو روز عمرشان را قدر بدانند.

## اسکرین‌شات در جلسات، آری یا نه؟

مجلس سنای فرانسه ممنوعیت استفاده از حجاب در مسابقات ورزشی را تصویب کرد. این در حالی است که مجلس سنای آمریکا به این حجم از آزادی بی‌حد و اندازه اروپا، گفت: «منم موخوام!»

مجلسی آدم‌های آمریکا در تلاش‌اند مجوز اسکرین‌شات گرفتن مسئولان خود در جلسات رسمی را تصویب کنند.

این اقدام هوشمندانه‌ای چندین پیش‌طرح شده بود که با اسکرین‌شات جو بایدن در جلسه‌ای رسمی با همسرش شاهزاده چارلز فوت گرفت. این اسکرین‌شات به قدری قوی بود که دود حاصله موجب آلودگی هوا و صدای آن موجب آلودگی صوتی شد. (این عمل حساب‌شده، ظریف‌ترین اقدام برای ارتباط اسکرین‌شات و شقیقه است).

## چنگیزخان روحت شاد!

زیر بغل مان می‌گذاشت تا خام بشویم بعد دو تا سؤالش قشنگ یک ساعت و نیم وقت ما را می‌گرفت. عصر پروین خانم، زن صاحبخانه، توی واتس‌آپ یک برگه امتحانی می‌فرستاد و زیرش می‌نوشت: «بهرم به زحمت بکش جواب این سؤالات رو بنویس. شهرام ساعت ۵ باید بفرسته برای معلمش.» حالا ساعت چند بود؟ چهار و چهل و پنج دقیقه!

آخر شب هم نوبت خاله مهین بود که بفرماید بنده بروم و به دخترش که کلاس اول بود درس بدهم! خواستم بگویم: «آخر خاله جان! وصل کردن گوسفندها به علف‌ها و خرگوش به هویج که دیگه آموزش نمی‌خواد!» دیدم الان خاله جان خواهند گفت: «حالا تو راهنمایی کن!» به وقت اشتباه نکنه ازش نمره کم کنن! «مادر جان هم می‌فرمود: «حالا به بار خاله‌ات ازت چیزی خواست‌ها!» این بود که بی‌خیال شدم. خلاصه که چنگیزخان روحت شاد!

همه مصیبت‌هایی که با کرونا داشتیم به کنار، ضربه‌ای که این ملعون به علم و دانش و درس و مدرسه زد، مغول‌ها به این مملکت نزدند! اگر شما هم مثل ما دانشجوی ریاضی بودید دوباره متوجه عمق فاجعه می‌شدید.

صبح، بچه‌های کلاس ریاضی عمومی خودمان بودند که التماس می‌کردند حل تمرین‌ها را بدهیم برای کی‌کی کردن. تا اینجا هیچ‌جی. ولی بعد که می‌دادیم، هرچه التماس می‌کردیم که لااقل از رویش بنویسید و همین را نفرستید برای استاد، می‌فرمودند: «جان داداج نمی‌صرفه! من همین عکس‌ها رو می‌فرستم. شما خودت دوباره بنویس!» آخرش هم چند نفر تصویر یکسان فرستادند. فوج ما وقع. لنگ ظهر پسر همسایه با زیر چشم‌های برف کرده می‌آمد دم در: «آقا دو تا سؤال دارم. بابام گفت از شما بپرسم.» چند تا هندوانه



محمد گوربانی

## نمایشگاهی برای همه

### کتاب دوست خوب ما!

مجتبی قبادی

در خبرها آمده که علاوه بر نمایشگاه مجازی، در اردیبهشت ماه نیز نمایشگاه حضوری کتاب به رسم هر ساله برگزار خواهد شد. موضوعی که موجب رنجش کتابفروشان سطح شهر گردیده است. از این رو سؤالاتی از «دکتر صحاف» مسئول میز کتاب وزارت ارشاد پرسیدیم.

آقای دکتر چرا دو نمایشگاه کتاب اون هم به فاصله کم؟ آیا این موضوع به کتابفروشی‌های سطح شهر زیان وارد نمی‌کنه؟  
+بله. خیر. ما در طرح «کتاب برای همه» مواردی رو در نظر گرفتیم که هم باعث سودآوری کتابفروشی‌ها و هم ناشرین خواهد شد.

مثال می‌زنید؟  
+بله، توسعه کافه کتاب‌ها و فروش اقلام خوراکی در کتابفروشی‌ها! میحث بعد لوازم‌التحریر است که سود خوبی داره و در انتها دستگاه کی‌بستی که قرار شده از چین بیاریم بدیم بهشون.

آیا این موارد ذات کتابفروشی رو زیر سؤال نمی‌بره؟  
+نه، مگه تو بقالی فیلم می‌فروشی ذات سینما رفته زیر سؤال؟  
-آقای دکتر علی‌رغم احتمال بیکر کرونا چرا نمایشگاه حضوری هم خواهید داشت؟

+ نمایشگاه کتاب به بخش ناچیزش به کتاب برمی‌گرده و بخش عمده اون به درآمد فلافل فروش و غرفه بند مربوطه. حتی ما مواردی از ادواج نمایشگاهی رو هم داشتیم. در نتیجه نمایشگاه حضوری فواید بسیاری برای اقشار مختلف داره که کرونا رو بی‌اهمیت می‌کنه. -خیلی ممنونم از شما!

Spiro Radulovic



## خودش نیست اما جایش درد می‌کند!

در پزشکی دردی وجود دارد به اسم درد فانتوم که بیمار واقعاً درد می‌کشد، ولی از عضوی که دیگر نیست، مثلاً دستی دردی می‌کند که قطع شده است، انگشتی دردی می‌کند که وجود ندارد.



مهدی قربانی

زمانی پزشکان اعتقاد داشتند این عارضه که پس از قطع عضو ایجاد می‌شود، یک مشکل روانشناختی است؛ یعنی بیمار چون آن را ندارد احساس درد می‌کند. اما اکنون متخصصان متوجه شده‌اند که این احساسات واقعی بوده و در نخاع و مغز ایجاد می‌شوند. درد غریبی است حتی نمی‌توانی از کسی بخواهی کمی ماساژش بدهد. حتی مواردی هم بوده که فرد احساس خارش در عضوی از بدنش که قطع شده دارد.

حالا چرا اصلاً از دردی گفتم که خودش نیست ولی جایش درد می‌کند؟ امروز خیلی چیزها دیگر نیستند ولی جایشان درد می‌کند. بد هم درد می‌کند. خدا نصیب گرگ بیابان هم نکرده. مثلاً کالایی که از آن فروختی و بعد قیمتش چندبرابر شده، خودش نیست اما جایش درد می‌کند.

اصلاً چرا راه دوری برویم؟ همین بول‌هایی که در بورس گذاشتید و سود می‌کردید و هی به خودتان می‌گفتید حالا باشد تا بیشتر سود کنم، الان همین حالت را دارد. دردش هم بد دردی است. با قهوه و کافئین و مسکن هم آرام نمی‌شود، چون مرور خاطراتش در دناک‌ترش می‌کند.

ببخشید! قرار بود این ماجرا عاشقانه تمام شود ولی مثالی قابل لمس‌تر، از جایی که خودش نیست ولی دردش هست پیدا نکردم.